



۲۰۲۱/۰۲/۰۸



قادر آسیابان

## طالبان و مشکل آتش بس

تحریک طالبان از اول کار در توافق نامه با امریکایی ها یا مشخصترگفته شود با آقای خلیل زاد با قاطعیت تقاضای آتش بس کامل را رد نموده بودند، پسان ها که حس کردند عدم قبولی آتش بس ممکن مانع امضای یک موافقت نامه گردد و نیز شاید این حدس را قوی بسازد که انگار ایفای یک آتش بس در ید تحریک طالب ها نباشد. پس ترم یا اصطلاح "کاهش خشونت" را مطرح کردند، "کاهش" و "افزایش" اصطلاحات مقداری و حسابی اند، ما وقتی از کاهش و افزایش حرف زده می توانیم که نزد ما اگر مقادیر معین و مشخص وجود نداشته باشد حد اقل شاخص مقداری قابل شناختی در دسترس باشد که از نظر این قلم در کاهش خشونت این نکته نیز مبهم و نامعلوم است.

در اقدامات و حملات مسلحانه طالبان و برخورد های که علیه دولت افغانستان در جریان است چند گونه عملیات فزیکتی مسلحانه را می توان ملاحظه نمود؛ جنگ های کوچک و پراکنده، شبخون ها بر پوسته ها و مراکز نظامی، قطاع الطریقی ها و ربودن و کشتن نظامی و غیر نظامی، تخریب و انهدام تأسیسات عامه و تأسیسات بنیادی اقتصادی، عملیات انتحاری در شهر ها، جاگذاری ماین های ضد پرسونل یا ضد انسان های زنده و ماین گذاری های ضدعراده جات و حالا در نهایت بمب های مقناطیسی یا بمب های چسپکی و بمب های کنترل از راه دور و شاید زمینه های اجرای خشونت های فزیکتی نظامی و مسلحانه ای که از قید قلم مانده باشد.

بر میگردیم بر اصطلاح "کاهش خشونت" این لغت را در ترمولوژی های سیاسی و نظامی نیافتیم؛ تنها خشونت در حوزه های متفاوت امروزه معانی مختلف در هر حوزه را افاده میکند؛ خشونت فزیکتی، خشونت سیاسی، خشونت کلامی، خشونت نوشتاری، سیاست اعمال خشونت، شیوه مبارزه و عمل خشونت مدار یا خشونت آمیز و... که اسمای این ها تقریباً همه در نوع و ماهیت و نیت خشونت ریشه دارند و ما کدام اسم مقداری را در این جا نمی بینیم، بالاخره این اصطلاح کاهش خشونت به یک صورتی همه را در یک حالت بالاتکلیفی قرار داده است و این وضعیت آنانی را که بخواهند تغییر مقداری در اعمال خشونتبار طالب ها را به حساب بگیرند، از قبل خلع سلاح کرده است یعنی نمی شود سنجش کرد که طالب دیروز مثلاً ده تن غیر نظامی را می کشت امروز می تواند مثلاً پنج غیر نظامی را از تیغ بکشد، مثلاً دیروز طالب ۲۰ عسکر نیرو های اردوی ملی را می کشت امروز ده نفر را بکشد یا دیروز دو پل و پلچک را منفجر می ساخت امروز یک پل و پلچک را ویران کند.

می بینیم که مقیاس مقداری بدون در نظر گرفتن نوع خشونت و عرصه آن یک سنجش و ارزیابی عجیب و مسخره کننده را به نمایش میگذارد.

حتی اگر در آن موافقت نامۀ غیر معیاری و سخت عوامفریبانه، ساحات خشونت های فزیکتی مسلحانه معین و کاهش بخشی از آن در نظر گرفته میشود و یا مثلاً فعالیت های خشونت بار مسلحانه در مناطق مشخص و یا در اوقات مشخص عدم اجرای آن تعهد می شد، و یا از استفا ده نوع تاکتیک جنگی مسلحانه و یا استعمال نوع تسلیحات مشخص انقیاد های قابل کنترل و ارزیابی وضع میگردد و یا حتی در آن توافقنامه سبیل مانده رعایت ممانعت های معمول قواعد جنگی به منظور محترم شمردن اصول حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه درج میشود، باز ممکن بود حساب خواهی نمود که چه تخلفاتی صورت گرفته و چه ضوابطی رعایت گردیده است.

موارد بالا در توافق نامه اصلاً در چرت کسی هم نبوده است، تا حقوق سرزمین و انسان های که در آن حق زندگی دارند، مد نظر قرار میگرفت، در نهایت آنچه در باره این "کاهش خشونت" تذکر رفت هیچ و هیچ گوشه ای از عملیات مسلحانه ای که قبلاً اعمال میشد و حالا به وسعت و وفرت بیشتر اعمال میگردد در موافقت نامۀ دوحه ذکر نه شده است این توضیح دگر تکراری است که بگوئیم انسان های این قطعه جغرافیایی و نیز دولت رسمی آن در آن موافقت نامه حضور نداشته اند و لذا الزامیتی به قبولی آن ندارند.

حالا می پرسیم اغماض در آن همه "میشد ها"ی مندرج موافقت نامه تصادفی روپداده اند و یا آیا دوطرف توافق آنقدر ناتوان و خوش باور بوده اند که این اغماض ها را ممکن می ساخته است...؟؟ وقتی نتیجه موافقت نامه دیده می شود از آن به راحتی "قصد" و "عمد" واضح در تسوید و تصویب چنین متنی عریان به ملاحظه میرسد.

اگر فکر کنیم که خود طالب ها قابلیت و کفایت سواد نمودن چنین یک موافقت نامه را داشته باشند، مبالغه کرده خواهیم بود، این متن کار افراد ماهر، کارگشته و استراتژیست را نشان میدهد که ذره ذره متن را به نفع پروسه ای خامه نموده اند که باید به اجرا گذاشته شود، نشان انگشت حامیان منطوقی طالب ها در این موافقت نامه به وضاحت مشهود است ولی سوال اساسی این نوشته آن است که: طالبان در اجرای یک آتش بس - ولو محدود - چه مشکلی دارند...؟؟ چرا طالب حتی حد اقل محدود ساختن خشونت مسلحانه را نمی پذیرد، یا پذیرفته نمی تواند، طالب حتی از این هم نگرانی ندارد که گروه های انسانی که احياناً فردا حکومت شونگانش خواهند بود، نزد آن گروه ها سفاک، خونخوار و مستبد و آدمکش شناخته شود، طالب حتی از این هم مشوش نیست که در سرزمین مرده ها حاکم گردد از این هم چرتش خراب نیست که تأسیسات اساسی کشوری که می خواهد در آن حکمروایی کند، تخریب شده و از بین برود، طالب مقایسه و مطابقت افعالش با احکام اسلامی را دیر وقت ها است که کنار گذاشته است.

آخر طالب چرا از آتش بس هراس دارد در این آتش بس قسمی و یا کلی مگر چه نقصی به آن گروه خواهد رسید،..؟؟ به طور مشخص یک و چند تا اسباب آتی در امتناع از آتش بس منجانب طالب ها شامل خواهد بود:

اول - طالب ها خود معترف اند که بسیاری از عملیات بمب گذاری، انتحاری و حملات در مناطق شهری - عمدتاً بالای غیر نظامی ها - کار آنها نمی باشد پس جناب خلیل زاد برای تحقق پاسداری مواردی که در توافق نامه و در عقب توافق نامه درج شده، چگونه بالای طالبان حساب کند..؟ زیرا این آقا توجه نه فرموده که برای برآورده شدن نیاتش به آدرس غلطی مراجعه فرموده است زیرا این گروه مسلط بر اوضاع در افغانستان نیست، اگر چنین است و طالب ها قادر نیستند، نظم را اعاده کنند و نقشی در آوردن صلح و امنیت داشته باشند خلیل زاد به خاطر تحقق نیات اش در منطقه باید به دنبال آنهای برود که در مناطق مختلف مخصوصاً در شهرها دست به عملیات ضد انسانی میزنند.

دولت افغانستان خاطر نشان ساخته است که با ۲۲ گروه تروریست در جنگ است، اگر چنین باشد، توافق با یکی از این بیست و دو گروه، مگر پایان کار جنگ در افغانستان خواهد بود...؟؟ یکی از عمده ترین گروه های که شناخته شده و عملاً در کشور مصروف فعالیت های تروریستی و خشونت بار است، "داعش" می باشد و گروه های دیگر...

سوال دیگری مطرح می شود که دولت یا دول منطقه و دور، که بدون تردید مشغول تجهیز، تمویل، تسلیح و تطمیع این گروه های تروریستی اند، اگر با طالب نتوانند مقاصد استراتژیک شان را در کشور ما بدست بیاورند و طالب مثلاً از ادامه اطاعت از آن یا آنان سر باز بزند، گروه های ریزرفی خویش (داعش، لشکر جنگوی و...) را برای ادامه و تشدید اوضاع نا آرام کشور ما استفاده که نه خواهند کرد...؟؟ به این ترتیب معامله با طالب پایان بحران در کشور ما نمی باشد ولو این موافقت نامه فاقد مشروعیت برای افغانستان، به نحوی مندرجاتش را به عمل در آورد.

با این پاسخ طالبان که عملیات تروریستی بر علیه غیر نظامیان در شهرها کار او نمی باشد، نقش طالب را در قابلیت آن پیرامون تحقق آرزو های جانب قرارداد (امریکا) می بایستی خیلی تقلیل ببخشند. این وضعیت نشان میدهد که محدود کردن عملیات تروریستی مخصوصاً در شهرها در حیطه طالب نیست و این اولین سبب عدم قبولی یک آتش بس از سوی طالبان می باشد، زیرا اگر چنین آتش بسی را بپذیرد، عملیات متوقف نخواهد شد چون قوماندۀ عملیات نزد طالب نیست.

دوم - سبب دوم مشکل طالب در امر امتناع از آتش بس احتمال دارد این باشد، که بخشی یا عده ای از محافل و دسته جات طالبان که مخالف کنار آمدن با امریکا اند به جنگ ادامه میدهند و گویا از مرکزیت - اگر مرکزیتی وجود داشته باشد - بریده اند یعنی به نحوی افاده یک و یا چند انشعاب را در گروه طالبان میرساند و این وضعیت میرساند که طالب نمی تواند آتش بسی را موافقت کند که معلق بماند و گروه های جدا شده الرغم موافقت آتش بس، به جنگ و عملیات انفجاری ادامه دهند.

سوم - این هم از احتمال خارج نیست که طرح و پلان جنگی مخصوصاً پروگرام عملیات دهشت افگانه در شهرها اصلاً در اختیار دسته جات غیرطالبی، یعنی خارجی ها باشد که طالبان بر آنها تسلط و مدیریتی نداشته باشند.

وقتی دولت افغانستان لست زندانیان را از سوی طالبان دریافت میکرد که آنها را آزاد کند گفته می شود در لست کسانی هم بودند که همه طالبان آنها را نمی شناختند ولی تقاضای آزادی شان به عمل آمده بود، یعنی در تهیه آن لست غیر از طالبان دیگران هم دست داشتند، این واقعیت بیانگر آن است که در عملیات مسلحانه در افغانستان افراد یا گروه های خارجی مشغول کشتن و تخریبکاری اند که طالب ها آنها را مؤظف نه ساخته و مدیریت نمی کند.

چهارم - یک علت دیگر که طالب ها از آتش بس امتناع می ورزند این است که عده ای از جنگجویان آنها که از جنگ خسته اند، اگر یک بار برای آتش بس تفنگ را کنار گذاشتند، دگر آنها را به آسانی بر نخواهند داشت، اخیراً منابع دولتی خبر دادند که از جمله ۵۰۰۰ طالبی که آزاد کرده بودند در حدود شش و هفتصد نفر آنها در جبهات دوباره دستگیر شده اند، افوا است که تعداد زیاد آنها قصداً خود را به دستگیری گذاشته اند، زیرا در زندان نسبت به سنگر های جنگی راحتتر بوده اند، این هم علایم تردید در اشتغال مجدد جنگجویان بعد از یک توقف را بازگو میکند.

فعلاً جنگجویان طالب کمتر به انتحاری و بیشتر با مین گذاری و بمب های چسپکی دست به عملیات میزنند، این هم به عدم علاقه جنگجویان به جنگ را معنی خواهد داد. بدون شک این نوع عملیات با مین گذاری و بمب های چسپکی، کمی سهل بوده و تقریباً خطر هلاکت هم ندارد.

آنچه از همه مهمتر است اینکه سررشته عملیات جنگی در اختیار آنانی نمی باشد که در دوحه و یا در چکر کشور های دور و پیش اند و این واقعیت میرساند که آنانی که پلان ادامه بحران نا آرامی کشور ما را در دست دارند و در صدد عملی کردن آن اند، غیر از کسانی اند که خود را در دوحه مشغول مذاکره نشان میدهند، یکی از دلایل عمده این حقیقت تلخ آن است که رابطه روشن و واضح میان عملیات مسلحانه و مذاکرات دوحه وجود ندارد، طالبان در میز مذاکره به همین خاطر دست خالی اند این آقایان خوشباورانه توقع دارند که دولت و نظام موجود برانداخته شود و همه قدرت دو دسته به آنان تقدیم گردد.

پیشبرد سناریوی مذاکرات در دوحه از یک سو و ادامه خونبار عملیات مسلحانه ضد انسانی در خاک کشور ما از سوی دیگر، از یک مرکز مدیریت می شود و آن مرکز در ید طالب نیست، آن مرکز سعی دارد با تطبیق دستورالعملش بالای طالب، آخرین نشانه های توجه به منافع وطن طالب را در او محو کند و طالب را چنان نزد افغان ها بی اصل و بی ارزش بسازد که این گروه بدون تکیه بر آن مرکز، در هر حالتی استقرار نداشته باشد. این هم از احتمال برون نیست که فعالیت های جاری از آن مرکز بر طالب تحمیل گردد.

نتیجه آن که طالب در اجرای جنگ و صلح مختار نیست و آنچه هم اگر بخواهد به پیش برده نخواهند توانست، نه بالای عملیات مسلحانه و تروریستی و نه در میز مذاکره سلطه و اختیاری دارد، طالب عسکر مؤظف شده ای یک جنگ نیابتی است، نمی شود از او به اصطلاح "کاهش خشونت" را توقع کرد، و یا از او انتظار داشت در مذاکرات خیر وطن و مردم افغانستان را حداقل در نظر بگیرد، او دستور مرکز را تعمیم میکند، دولت افغانستان و مردمش در برابر روباتی قرار دارند که "ریمونت کنترل" اش نزد آن مرکز است که خطرناکترین استخبارات دنیا را سازمان داده است.

این حالت از مردم افغانستان و دولت موجود می خواهد تا متحد باشند و برای حفاظت از وطن و جان و سلامت مردم کشور همه تدابیر و گزینه ها را مجهز و آماده داشته باشند، آبا و اجداد ما با اتحاد و جان نثاری، این وطن را تا به ما رسانده اند، ما نیز در انتقال کامل و سالم آن به نسل آینده باید متعهد باشیم.

برای ایجاد و پدید آوردن هر آرمانی در گام نخست به یک وطن مستقل نیاز است تا در آن به آرمان های خویش جان ببخشیم، در اوضاع کنونی اتحاد و یک پارچگی مردم ما متکای مطمئن حفاظت از وطن می باشد.

پایان



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک نمایید.](#)